



۲۰۱۷/۰۷/۲۶



مصطفی «عمرزی»

گناهان نابخشودنی

تلخی های بیش از یک دهه ای که گذشت، منوط به سیاست های صدور بحران، دامن زدن به ستیز قومی و اختیار مشی و روش های نادرستی نمانده است که اگر بخواهیم از مشکلات- تعریف بسازیم، ابعاد داخلی و خارجی دارند. طیفی از کسانی که در چند دهه ی اخیر از میلان به چپ و راست اجتناب کرده بودند، در آن امیدواری های مردم خوانده می شدند که در معرفه های تکنوکراتان، تحصیل کرده گان و در مجموع، افغانان بی واسطه ای بودند که در



الطاف جامعه ی جهانی، فرصت یافتند در تشکیلات دولتی افغانستان، حضور یابند. در این که ضعف ها، سازش ها و ارباب از مولفان تنگ به دست، بنای افغانستان نو را کج کرد، در هر قضیه و دوسیه ی بررسی این واقعیت، قلم پردازی هایی دارد که ادامه می یابند، اما انعطاف، بی تفاوتی و اختیار بی طرفی به این دلیل که نظام با مولفان داخلی سلاح به دست، به شدت فاسد است، کسانی را برائت نمی دهد که می دانیم در شرایط کنونی در دشواری های سیستمی که از فساد ساخته شد، در خیالاتی که در بحر تداعی تاریخی،

دنیال منزله های قبل از هفت ثور اند، باعث شده اند خالیگاه ناشی از آنان، در دسته های تنظیمی، احزاب قومی و سیاست گران فاسد، تا به جایی پُر شود تا عدو، ارقام جلب و جذب قومی و منطقه یی را به افراط برساند. هنوز مدتی از انتصاب کریم خلیلی به ریاست شورای عالی صلح نگذشته است که درگیری ها در این نهاد نام نهاد در حد دست و یخن می رسد. این مولف بی فایده که در حد 500 رای، نه به درد کرزی خورد و نه به درد غنی می خورد، می خواهد با قومی سازی نهادی که با مسوولان پشتونی و سنی اش نیز هیچ اعتباری نزد طالبان ندارد، شورای به اصطلاح صلح را به گندی آلوده کند که در واقع هیچ ربطی به او و امثالش ندارد. این شورا به محلی شبیه می شود که قرار است از آدرس حزب بدنام وحدت، مساله ی شیعه و سنی را در سایه ی ولایت فقیه و گرایش های مذموم گروهک هایی که با «مظلوم نمایی»، فکر کرده اند گذشته ی شان فراموش می شود، به نمونه ی دیگری برسانند که شماری از نخبه گان افغان با انعطاف و بی تفاوتی اجازه می دهند به چنین شکلی درآیند.

من بسیاری از افغانان سرشناس، بزرگ و محترم را می شناسم که نه از کرزی و نه از غنی، دل خوش اند. آنان با ظرفیت ها و درک بالای مسایل ملی، متاسفانه به این دلیل که نظام فاسد است و نمی خواهند در کنار گروه های خاین تنظیمی کار کنند، نه تنها ضعف های دولت در عدم کدر های مسلکی را بیشتر ساخته اند، بل با دوری از سیستم و عدم استفاده از امکاناتی که به نماینده گی از تامین حقوق مردم، حق شان بود، فرصت هایی می سازند تا دولتداران، اگر افراد موافق میل نیافتند، خلاء را بپذیرند و یا زیر فشار خارجی و داخلی، کسانی را دعوت کنند که با امثال خلیلی ها، می بینید پس از تحمیل، با چه قواره و رفتار حاکمیتی را به گند می کشند که با آن چه در مساله ی عدالت اجتماعی مطرح می کنند، زمین و آسمان فرق دارد.

یقین دارم که همه می پذیرند شرایط کنونی با آن چه برای ما ساخته اند، در مقطعه یی بودن، اگر چنین بماند، آن چه به اتفاق آراء خواهیم پذیرفت، فرو ریزی آن است، اما در فرصت هایی که به دست آوردیم، هرچند از هیچ تکاملی نمی توان سخن گفت، اما ترسیم نقش ظاهری و مجال تنفس آزاد که حداقل بر اثر کوشش های غیر دولتی افغانان آگاه، کشتی سرنوشت ما به گل ننداشته است، این حس امیدواری را بیشتر می کند که باوجود تلخی ها و محرومیت ها، آینده ی کشور را بر اساس تلاش هایی که در پیوند با خواسته های اکثریت این ملت، تاریخی اند، به کوششی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

بکشاند تا افغانان آگاه نیز در احاطه ی دشواری ها و اشتباهاتی که بسیاری بر اثر سلايق و خواسته های فزون و شخصی همکاران مسوول ما شکل گرفتند، خود را نبازند.

جا خالی کردن، اختیار روش های به اصطلاح مقاومت منفی، بی تفاوتی و عدم اشتراک در سیستم، اگر ادله دارد که در واقع نظام را با عناصر و خیانتکاران داخلی، فاسد کرده اند، نباید غافل شویم که در این شرکت سهامی، باید از حقوقی دفاع کنیم، مستفید شویم و در جهت کشور و مردم استفاده کنیم که بر اساس واقعیت ها، ظرفیت های بشری، آرا و نقش بنیادین و غیر قابل انکار تبار ما در سرنوشت افغانستان است. بودند و استند شماری از افغانان آگاه که باوجود نارضایتی از دستگاه کرزی و وجود مولفان بی سواد، بی فرهنگ و تنظیمی، اما با درک این واقعیت که وجود شان در سیستم، حق بدون چون و چرای قومی نیز است، اجازه ندادند از حق ما به نفع دیگران بخورند.

اگر مجموعه ای از افغانان آگاه در تمام دسته های پیر و جوان و فعال در نظام حاضر اند و به نحوی به استحکام کمک می کنند و تداخل آنان باعث شده است امکانات و مزایای اقتدار، کاملاً در اختیار بقایای حاکمیت ننگین تنظیمی سقوط نکند، بپذیرید که دستان افغانان مسوول و صاحب اختیاری نلرزیده است که آنان را استخدام کردند و از امکانات دولتی در کنار تامین هزینه ها و توجه بر اولویت های ملی، بر حقوق برحق قومی خویش چشم پوشی نمی کنند.

در فضایی که هر گونه تبارز جریان های اقلیتی با معامله برای کسب امتیازات بیشتر در دولت است و چنین و پیروسی گسترده می شود، خوب است یاد بگیریم که چه گونه تا به جایی پا می گذارند، از رهگذر انحصار و استخدام، در شرایطی دولت را ضربه می زنند که این ستون پنجم، وقتی سیاسی می شود، آسیب های دولت در درگیری با مخالفان در چند جبهه، در حالی که در نبرد مسلحانه نیز بر اثر سیاسی شدن سیستم- با مشکل رو به روست، مولفان زیاده بگیر، از گردن دولت در داخل می آویزند و در 16 سالی که گذشت، حتی در مسایل کلان ملی، مهم ترین چالش تکنوکراتان و افغانان بی طرف، استفاده ی خاینانه ی مولفان داخلی- تنظیمی آنان از امکانات دولتی برای نامزدان و کسانی بود که شریک، رفیق و سهامدار حزبی، قومی و تجارتي می دانستند.

پس از تقرر ملا فضل احمد معنوی در کمیسیون مستقل انتخابات که در پنجشیر به نام ملا فضلوی مستری شناخته می شد، و یکی از بدترین گزیده ها و گرایش های سلیقه وی کرزی در انتخاب شرکای دولتی را ثابت می کند، نه فقط سیلی از افراد وابسته به جریان تاریخی شر و فساد، وارد سیستم انتخاباتی شدند، بل از رهگذر کسانی که در پُست های غیر موقت انتصاب می شدند، نتایج انتخابات به بدترین نحو آن به گونه ای به آخر رسید که 3 سال پس از این حاکمیت، حیثیت آن برای ناکامی، به حد ریکارد رسیده است.

افراد متداخل تنظیمی که در همه جای نظام در نبود افغانان بی طرف، تار دوانیده اند، در شانس و فرصت هایی که یافته اند، همواره شکر می گزارند که طیفی از افغانان بسیار خیالاتی و آرمانگرا، هرچند از دیدن چهره ها و قواره های آنان بی زار اند، اما با دوری از سیستم دولتی، موقع می سازند تا کسانی استفاده کنند که در بررسی تمام جوانب حضور آنان در افغانستان، یا به شرمساری کلکاتی می رسیم یا از حکومت ربانی خجلیم و یا در امواج فرهنگ گستاخی، هتاک، توهین و موهومات به اصطلاحات افتخارات غیر افغانی، «سرکسی» به چشم می آید که از تکرار آن، از هرچه سیاست است، بی زار و منفور باشیم. چند روز قبل، بزرگان لویه پکتیا در اجتماعی با عصبانیت از تامین حقوق قومی و ولایتی خویش یاد کردند و یادآوری می کنند که در این شرکت سهامی، خواهان حق اند. بلی، آنان به خوبی متوجه شده اند که اگر در احاطه ی فساد زنده گی می کنیم، پس کنار کشیدن از قرابت با عمال فاسد که فقط می خورند و خیانت می کنند، خود به خیانتی می ماند که اجازه بدهیم حقوق ما را نیز بخورند و اما به ریش ما بختند که چون جرات ندارند، استفاده نمی توانند.

بار دیگر می گویم، خوب یا بد، در شرکت سهامی کنونی به اندازه ی واقعیتی که داریم، حق ما، بزرگ است. این که راس قدرت را دوست دارید یا ندارید، نظام- فاسد است یا نیست، شر و فساد- در سرنوشت مردم شریک اند یا نه، بحث دیگر است. خالیگاه شما، فتور دیگری ست که به ستون های برپایی این مملکت آسیب می زند. اگر خوش ما می آید یا نه، جای خویش را به نا اهل و دشمن ندهید! حضور افغانان آگاه و قبول مسوولیت در نظام، با وجود فشار ها، سلايق و اشتباهات، از ضیاعات بیشتر جلوگیری می کند و دستانی که نلرزند، فرصت هایی می سازند تا با استفاده از امکانات دولتی و آن چه حق ماست، موضع ملی و افغانی محکم تر شود.

اگر خیانت های مولفان تنظیمی، جنایت های مخالفان مسلح، فجایع سیاسی، فرهنگی و رسانه بی، هرگز بخشوده نمی شوند، کسانی نیز بخشیده نخواهند شد که صرف برای رعایت حال خودشان، عقب نشستند و در این سُستی،

د پاپو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

توجیه یافتند که نظام، فاسد است و با اهل فساد، کار نمی‌کنیم. نه نظام فاسد را تایید کنید و نه به اهل فساد اعتنا کنید! خواهش ملت این است که اجازه ندهید در نبود شما، امکانات و سهم ما را چور کنند و حقوق مسلم مردم، به نفع کسانی مصادره شود که 16 سال پس از انواع خیانت، وقتی از رسوایی بی‌کفایتی، بی‌فرهنگی و نادانی منفک می‌شوند، درجه‌ی حرارت قومی‌شان بالا می‌رود و با دست‌آویز گویا تبعیض، آن چه خود به فرهنگ دست درازی مبدل کردند، توسل می‌جویند.

از امتیازات ظرفیت بشری، آرای سرنوشت ساز، نقش نمادین و محکم قومی- به این دلیل که سهم ما بیشتر است، به نفع ثبات و استحکام افغانستان و افغانان استفاده کنید! هیچ گناهی نابخشوده‌تر از این نیست که در چنین شرایطی، به بهانه‌ی دلخوری از مسوولان راس حکومت، آنان را تنها رها کنیم تا همانند سلفیان خود در جایز الخطای انسانی که تنها مانده است، دارایی‌های دولت را با شرکای تنظیمی تقسیم کنند و یا در سلايق محدود به تجربیات کوچک کاری- شخصی، مساله‌ی ملی را به حد برداشت‌های خودشان کوچک کنند.

شرح تصویر:

فضل احمد معنوی یا معروف به ملا فضلوی مستری در پنجشیر. حامد کرزی با انتصاب او به ریاست کمیسیون مستقل انتخابات، همه را شوکه کرد. ظاهراً دومین بُرد آقای کرزی- به قول کسانی که این جریان را از نزدیک شاهد بودند- او را به این فکر می‌اندازد تا در شخصی‌ترین اقدام، معنوی را در جایی انتصاب کند که از رهگذر سازش‌های او با جبهه‌ی به اصطلاح شمال، هرچند با اضرار بی‌نهایت به افغانستان بود، اما در تداوم شراکت قدرت، چنان چه محمود کرزی در معاملات سودآور بانکی با خلیل فروزی، حتی حاضر شده بود احمد شاه بابا را دزد خطاب کند، ما را با فاجعه‌ای آشنا کند که «نوع قدرت»، از تأثیراتی برخوردار است که وقتی به نتیجه (فایده) می‌رسد در کاهش خاصیت، بهتر از بهترین برنامه‌های طبی، عمل می‌کند.

یکی از ده‌ها پیامد فاجعه بار انتصاب و تقرر امثال معنوی‌ها در سیستم دولتی، تضعیف پشتون‌ها در پارلمان بود. تیم معنوی با کارهای فوق‌العاده، غزنی را که اکثریت مردم آن را پشتون‌ها می‌سازند، از نماینده در ولسی جرگه، محروم می‌کنند (روزنامه‌ی میندل ماندگار، در این مورد، تبصره‌ای دارد که نتوانسته‌اند خوشحالی خویش را پنهان کنند) و از سوی دیگر در حالی که با قسم معمول انتقاد سخیف (نا آرامی مناطق پشتون نشین) جلو نماینده گان بیشتر پشتون را گرفتند، افراد بدنام و فاقد آرای کافی- چون عبدالحفیظ منصور، عبداللطیف پدram، محی‌الدین مهدی، احمد بهزاد و وابسته گان ولایت فقیه از حزب وحدت را به پارلمان راه می‌دهند. در این جریان، نقش میرویس یاسینی پشه‌بی که وانمود می‌شود پشتون است، در فعالیت غیر قانونی شورا که سهم پشتون‌ها را برای تاثیرگذاری در مسایل قانونی، با برنامه سازی‌های حساب شده، کاهش داده بودند، در ارتباطات تنگاتنگ برادر او، حضرت علی وابسته به ایران، که قوماندان مسعود بود، به اصطلاح سیر و پودینه‌ی نظامی را نشان می‌دهد که جای خالی نخبه گان افغان، چه قدر به ضرر ما تمام شده است.

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ